هو العلیم

معنای‌ عيد فطر و عيد قربان

آیة اللَه حاج سید محمد محسن حسینی طهرانی

نوروز در جاهليت و اسلام، ص 260

در دين مقدس اسلام روز فطر و روز قربان، عيد است.اما در فطر به جهت‌ آنکه در يکماه تمام مردم دست از زياده‌ روى در شهوات برداشته، روزها روزه، و شب‌ها به قيام مشغول، و با بهره‌هائى بيش از ساير ايام همچون انفاق در راه خدا، و تلاوت بيشترى از کلام خدا، و چشم‌پوشى از محرمات و مکروهات، نفس اماره خود را تزکيه و تطهير نموده‌اند، حالت روحانيت و معنويت در ايشان بالا رفته است، و سبکى و تجرد و امکان عروج به عوالم قدس براى آنها امکان بيشترى پيدا کرده است، زيرا طعام و شهوت و غضب کليد جهنم و سلطه شيطان است.و در اين ماه که خداوند مائده آسمانى ميهمانان خود را جوع و گرسنگى قرار داده است معلوم مى‌شود که بهترين تحفه از جانب رب الارباب است.

اندرون از طعام خالى دار \*\*\* تا در او نور معرفت‌بينى

در اين موقع که موقع گرفتن نتيجه و مزد است، آن روز را بايد عيد گرفت، و از خداوند کريم و رحيم عيدى دريافت کرد.اما عيد گرفتن نه به معناى ساز و دهل زدن است، و نه به معناى شيرينى خوردن و رنگارنگ پوشيدن، و تفريح و تفرج بهيمانه کردن، بلکه به معناى يک درجه از تزکيه و تطهير بالاتر، و يک صيقل بهتر به نفس دادن تا آماده برکات و نزول موآئد آسمانى گردد.

شب عيد فطر دو غسل دارد: يکى در اول شب، و يکى در آخر شب، و آن شب احياء و زنده‌دارى است‌يعنى تا به صبح به عبادت و قيام و ذکر و ياد محبوب و معشوق ازلى و حبيب سرمدى مشغول بودن، و در روز عيد نيز غسل دارد.

و رفتن براى نماز عيد، و با تمام مردم در صحرا بجاى آوردن، و آنرا با کيفيتى خاص، در دو رکعت و با نه قنوت بجاى آوردن، و زبان به ذکر تهليلات گشودن که: اللَه اکبر، اللَه اکبر، لا اله الا اللَه و اللَه اکبر، اللَه اکبر، و لله الحمد و الحمد لله على ما هدانا و له الشکر على ما اولانا.

و اما در قربان، به جهت آنکه مردم به عشق لقآء و ديدار وجه اللَه، دست از خانه و لانه و وطن و کسب و کار و شهرت و جاه و جميع علائق شسته، و به سوى بيت اللَه الحرام من کل فج عميق روان شده، و طواف و سعى و وقوف در عرفات را که خارج از حرم است، بجاى آورده سپس داخل در حرم و مشعر آمده و شب را به اذن دخولى که از حضرت او دريافت کرده است، در مزدلفه آرميده، و سپس به منى آمده، و شيطان را هفت‌بار سنگ زده، و قربانى کرده، و سر تراشيده، و در اين مدت پاى و سر برهنه به دنبال حبيب در جستجو و در تکاپو بوده است.

اينک جاى آن دارد که موقع خروج از احرام است، به شکرانه قبولى اعمال و پذيرش اين اعمال سخت، و در عين حال شيرين و لذت‌بخش عيد بگيرد، و الحمد لله بگويد، و به مراسم عيد که آنهم باز ذکر خدا و تطهير بيشترى است، مهيا گردد، نماز عيد بخواند، و زبان به تقديس و تمجيد الهى بگشايد، و از جمال و جلال او بيان کند، و از محاسن و زيبائى‌هاى او اعلان وحدت و توحيد ذات و اسماء و صفات و افعال را در عالم منتشر کند و بگويد: اللَه اکبر اللَه اکبر لا اله الا اللَه و اللَه اکبر اللَه اکبر و لله الحمد اللَه اکبر على ما رزقنا من بهيمة الانعام، الحمد لله على ما ابلانا.

و نه تنها خود حجاج، بلکه جميع مسلمين در سراسر بقاع عالم بدين موهبت عظمائى که نصيب برادرانشان در آن مواقف کريمه شده است، عيد بگيرند، و به دنبال اعماليکه در ذوالقعدة و ده روز از ذوالحجه به جاى آورده‌اند، قربانى کنند، و نماز عيد بخوانند، و براى جماعت‌با امام، پاى برهنه به صحرا روند.

روز جمعه عيد است، چون روز اجتماع مردم به نماز جمعه و شنيدن خطبه‌ها و تطهير است.و بهمين جهت اسلام نام آنرا جمعه گذارد، يعنى روز اجتماع و بهم پيوستگى امت مسلمان، و در قبل از اسلام آن را يوم العروبة مى‌گفتند.اسلام نماز جمعه را واجب کرد، به وجوب عينى تعيينى در هر زمان تا روز قيامت و تارک آنرا لعنت فرستاد.و ليکن شرط صحت آن با جماعت و در تحت نظر و امامت امام عادل و يا منصوب از ناحيه اوست.در زمان حضور امام، خودش اقامه مى‌کند، و در زمان غيبت‌بر فقيه عادل جامع الشرائط که به ادله نيابت عامه، متکفل وظائف امام است واجب است اقامه کند.

نماز جمعه واجب است‌به وجوب مطلق، نه به وجوب مشروط، مانند حج نسبت‌به استطاعت، بلکه مانند نماز ظهر است نسبت‌به طهارت و غسل و وضوء.و بنابراين امام و حاکم شرع، شرط انعقاد و صحت و شرط واجب است نه شرط وجوب.فلهذا اگر امام در غيبت ‌بود و فقيه جامع الشرائط قدرت بر حکومت نداشت، و در تقيه بسر مى‌برد، بواسطه ترک نماز جمعه، همه مردم گنهکارند به جهت ترک نماز عينى تعيينى که حائز اهميت‌سرشارى است.

و بر همه آنها واجب است قيام کنند و تشکيل حکومت اسلامى دهند، تا آن امام غائب ظهور کند، و يا فقيه مقبوض اليد، مبسوط اليد گردد، و بتواند اجراء حدود کند، و منع از ثغور اسلام بنمايد، و از جمله وظائف حاکم، تشکيل نمازهاى جمعه در قلمرو حکومت اوست.

افرادى که در زمان حکومت جائره نماز جمعه نمى‌خوانند، معذب مى‌شوند که: چرا تشکيل حکومت اسلامى نداده‌ايد؟! که بتوانيد نماز جمعه بخوانيد، گر چه با نداشتن حاکمى چنين، نماز از آنها صحيح نيست و مردود است.

و به همين جهت که روز جمعه، روز عيد و اجتماع است، و مردم پاک و پاکيزه مى‌شوند، و از خطاها و گناهان يکهفته گذشته بيرون مى‌آيند، دعاها در آن روز مستجاب، و شب جمعه نيز داراى اهميت و خصوصيتى براى تهيؤ و آمادگى وظائف روز مى‌شود، که از ساير شب‌ها ممتاز مى‌گردد.